

پرونده ای درباره عادت رایج بسیاری از ما یعنی تعارف

# اصلا نمیشه اول شما بفرمایین!

الیه توانا- مهسا فارسی/ «به جان خودم! اگر به بذارم شام نخورده برین. اصلا بچه پاشوبرو اون درو قفل کن ببینم چه جوری می خوان برن؟ کفش هاشون رو هم ببر قایم کن. بابا به لقمه نون و پنیر که دیگه این قدر تعارف نداره. بعدشم الان تازه سر شبه شما بشین شام و چای بعدش رو ما در خدمت باشیم، ان شاء... فردا به موقع از خواب بیدار میشی به همه کارات هم می رسی». شما در چنین مواقعی چه می کنید؟ قبل از قفل شدن در، به طرفه العینی اهل و عیال را از خانه میزبان خارج می کنید؟ دلناتن می خواهد خرخره میزبان مهربان را ماچ کنید؟ همان طور که نگران کار و بار فردا هستید، یک لقمه نان و پنیر را با قدر شناسی و خوش رویی میل می کنید؟ همه مان در موقعیت هایی گیر افتاده ایم که «تعارف» به در دسر یا حداقل به زحمتان انداخته است؛ موقعیت هایی که با یک «نه» ساده و مودبانه، می توانستیم از آن ها پیشگیری کنیم. اگر شما هم تجربیات مشابهی دارید یا دلناتن می خواهید دیگر این تجربیات را نداشته باشید، پرونده امروز را بخوانید. ضمن این که در این پرونده، موضوع «تعارف» را حسابی شکافته و تحلیلش کرده ایم؛ از تفاوتش با دروغ و دورویی گفته ایم؛ مرز بی تعارف بودن را از بی ادبی و رک گویی مشخص کرده ایم؛ کمی هم از لحاظ زبان شناسی به این مقوله پرداخته ایم. البته نگاهمان به «تعارف» در سر تاسر پرونده، از جنبه فرهنگی قضیه است. همان طور که خواهید خواند ریشه دار بودن این فرهنگ را از دل ضرب المثل ها بیرون کشیده ایم.



## چرا باید بسیاری از تعارف کردن ها را کنار بگذاریم؟

بیشتر مردم از خدای شان است تا آدم دوست داشتنی باشند و از این رو هنگام برخورد با مردم، حسابی ادب پیشه می کنند و پشت سر هم تعارف تکه پاره می کنند. اگر عیبی از آن ها می بینند بیان نمی کنند و بی دلیل برای شان در نوشابه باز می کنند تا فردی خوش برخورد و مهربان و با شخصیت به نظر برسند. حالا اگر به شما بگوییم که این کار ها خیلی وقت ها، به شخصیت شما لطمه می زند، باز هم حاضرید با زبان تعارف با مردم برخورد کنید؟ اگر بفهمید که مردم پشت سر تان می گویند که شما جرات راستگویی ندارید، یا تعارف تان از صمیم قلب نیست باز هم حاضرید الکی هندوانه زیر بغل مردم بگذارید؟

اگر قصد داشته باشید که در تمام عمر صرفا برای این که فردی خوش برخورد و متشخص به نظر برسید، احساسات واقعی خودتان را سر کوب کنید، بدجوری ضرر می کنید. صرفا از روی تعارف کردن مجبورید از کسانی که خوشتان نمی آید تعریف کنید و به خاطر خوش برخورد بودن، رفتار بد آدم های دیگر را تحمل کنید و دم بر نیاورید. اگر چند سال با این اخلاق زندگی کنید، دیگر موقعی که کسی پا روی دم شما می گذارد، جرات نخواهید کرد که او را سخت و سخت مورد عتاب و خطاب قرار دهید. اگر در این رفتار غرق شوید، دیگر حتی انتظار ابراز یک انتقاد کوچک و سازنده هم از شما نخواهد رفت. حتی ممکن است پیش خود فکر کنید که به فرد تو سری خوری تبدیل شده اید که دیگران از حسن رفتار تان سوءاستفاده می کنند و هر جوری دلشان خواست روی مخ شما می روند، چون می دانند که چیزی بالاتر از گل به شان نمی گویدید. البته بعد از این که ۱۲۰ سال گذشت و خلاص شدید، ۲ ساعت در مجلس ختم تان حسابی از اخلاق نیکوی شما تعریف می کنند و از این که به هیچ کدام شان کاری نداشته اند شما راضی هستند، اما نمی دانند که شما یک عمر از ترس دشمن سازی تمام نظرات صادقانه خود را قورت دادید و بجای رک بودن تصمیم گرفتید تعارف کنید. چه کسی گفته رک گویی الزاما باعث منقور شدن آدم می شود؟ رک گویی منافقانی با مهربان بودن ندارد. می توانید در عین مراعات کردن حال مردم، از جای خود بر خیزید و صریحا نظرات خود را اعلام کنید. در واقع با این کار نه تنها در حق کسی بدی نمی کنید، چه بسا که از برخی جهات لطف هم می کنید. یاد تان باشد اگر به یک آدم تعارفی تبدیل شوید، در بلندمدت فاقد جرات تصمیم گیری می شوید. از صداقت رفتار تان کاسته خواهد شد و از ترس این که کسی را آزار بدهید، رسما به او دروغ می گویدید. به آدم منفعلی تبدیل می شوید. از چیزی و کسی که نمی پسندید، الکی تعریف و تمجید می کنید. گاهی حتی نفرت تولید می کنید و بعد از مدتی خودتان از کسانی که بی خودی بزرگ شان کردید متنفر می شوید.

چند نکته برای این که تعارف را بهتر بشناسیم

## دو واحد تعارف شناسی

### ■ فهمیدن تعارف سخت نیست

بعضی ها ادعا می کنند تعارف انمی فهمند؛ نمی دانند طرف مقابلشان، کی چیزی را از ته دل می گوید و کی برای خوشامد آن ها! اما من معتقدم کسی که در ایران متولد شده و زندگی کرده باشد، اگر تعارف را درک نمی کند یا خیلی باهوش نیست یا خیلی خارج دوست است! تعارف، در زبان نمود پیدا می کند اما برای فهمیدنش آشنایی با عوامل فرازبانی، ضروری است. وقتی یک فرد خارجی می شنود: «خونه خودتونه!» طبیعی است که فقط معنای ظاهری جمله را بفهمد و گیج شود. این توضیح که این جمله از سر ادب و احترام گفته می شود و علاقه میزبان را می رساند و منظورش این است که مدت بیشتری در خانه اش بمانید، کمک کننده است. اما یک ایرانی، به این همه توضیح احتیاجی ندارد و با همان یک جمله، مقصود را دریافت می کند. زبان بلد بودن، برای درک و شناخت یک فرهنگ کافی نیست. بنابراین این که تعارف مایه زحمت است و باید تعدیل شود، به نظر نمی رسد با تعارف نفهمیدنِ خارجی ها ارتباطی منطقی داشته باشد.

### ■ تعارف دورویی نیست

بعضی معتقدند تعارف یعنی دروغ گویی و دورویی و چاپلوسی و کلا هر چه صفت منفی در جهان هست. کسی که دروغ می گوید مشخصا و آگاهانه قصد فریب طرف مقابل را دارد و فایده ای از دروغ گفتن، نصیبش می شود. در دورویی و چاپلوسی هم نفعی نیفته است. درحالی که مثلا وقتی کسی به شما تعارف می کند ناهار مهمان او باشید قطعا قصد ندارد حقیقتی را وارونه جلوه بدهد یا شما را گول بزند. حتی اگر کسی که دعوتتان کرده، واقعا آمادگی میزبانی نداشته باشد، یا آن قدر برای شما به طور ویژه یا به طور کلی برای مهمان ارزش قائل است که اگر دعوتش را بپذیرید هر چه از دستش بر بیاید انجام می دهد یا صرفا از روی عادت و برای ابراز ارادت، تعارف کرده است.

### ■ تعارف را تعدیل کنیم

مواردی که گفته شد، در تأیید و طرفداری از تعارف نیست. بلکه هدف این است که تعارف را که بخش ریشه داری از فرهنگمان است، درست بشناسیم؛ اگر به خاطرش دچار درسرس شده ایم یا به زحمت افتاده ایم و منتقدش هستیم، تقدمان بر اساس شناخت باشد تا بتوانیم این رفتار را تعدیل کنیم. زمان زیادی نیست که تعارف را رفتاری می دانیم نیازمند اصلاح و تغییر؛ تا همین چند سال پیش، تعارف در رفتارها و روابط روزمره، عادی و طبیعی تلقی می شد. امروز، بزرگ ترهایی وجود دارند که همچنان به این شیوه رفتاری پرتکلف پای بندند و کوچک ترهایی که صراحت را ترجیح می دهند. البته نه آن بزرگ ترها به اندازه قدیم، به اصطلاح تعارف تکه پاره می کنند نه کوچک ترها می توانند تماما به شیوه متفاوتی زندگی کنند. به هرحال می توانیم بدون آن که به کسی بر چسب نامناسبی بزنیم، بپذیریم این شیوه رفتاری گاهی زندگی مان را سخت می کند و نیاز به تعدیل دارد. البته باید جسارت نگارنده را عفو بفرمایید چرا که شما خودتان بیشتر از بنده مطلعید و صاحب نظر هستید!



## تعارفی باش/نباش

این که با خودتان در گیر و دار تعارف و رودریاستی باشید یا نه به خودتان مربوط است. تعارف از آن دسته مفاهیمی است که در برخورد با دیگران شکل های مختلفی به خود می گیرد؛ در این بخش از دو سو به آن نگاه می کنیم.

### ■ موندنم تورو دریاستی!

«من نمی دونم دیگه هر جور شده باید بیای مهمونی، منتظر تم». «یه دوه سه روزی ماشینت رو لازم دارم». «بیا بریم بابا این قدر یاستوریزه نباش! اینجور وقت ها چه پاسخی می دهید؟ آیا به شکل خود کار می روید روی تنظیمات «مردمداری» و «خواستمن ناراحت نشود» و...؟ یا این که اگر به ضررتان باشد، خیلی محترمانه می گویدید نه؟! از بچگی یاد گرفته ایم که نه گفتن، چندان مؤدبانه نیست و گاهی گستاخی به حساب می آید و خوب است دیگران را بر خود مقدم بشماریم. اما اگر در رودریاستی مانده و خواسته فلانی را پذیرفته اید، پس چرا پشت سر طرف شروع می کنید به غر زدن و غیبت کردن؟ در واقع کمکی ارزش دارد که با رضایت قلبی و در توانمان باشد. ما انسان ها با عقاید و نظرات مختلف زندگی می کنیم و همه مثل هم نیستیم و قرار نیست همه را از خود راضی نگه داریم. رودریاستی و قبول استرس و اضطراب به معنای خوب و مورد تایید بودن است! اگر مورد تایید دیگران باشیم به ما چه مدالی تعلق می گیرد؟ آیا صداقت بر همه این ها ارجح نیست؟ قضاوت با خود شماست.

### ■ بی تعارف بودن همان رک بودن است؟

می توانیم ادعا کنیم آدم رکی هستیم وقتی می گوئیم: «من خورش کرفس دوست ندارم». «الان حال و حوصله پیاده روی ندارم». مخالفت کردن درباره موضوعاتی که به خودمان بر می گردد خیلی ساده است و پیچیدگی ندارد. اما وقتی می گوئیم: «دماغ شما نیاز به عمل دارد. البته بخوابید من اصلا تعارف ندارم». «دکراسیون خانه شما شبیه هتل است. همه می دانند من خیلی رک حرف می زنم». یعنی داریم درباره دیگران، اخلاق و کردارشان نظر می دهیم. این جور وقت ها مرز صراحت و تعارف خیلی باریک می شود. بنابراین خیلی جالب نیست که رک گویی و صراحت را زیر مجموعه بی تعارف بودن قرار بدهیم و به این بهانه هر چه دلمان می خواهد بگوییم و موجب رنجش دیگران شویم.

## کلمه ها و ترکیب های غیر تازه

همه ما با بخش کلمه ها و ترکیب های تازه کتاب فارسی مدرسه آشنا هستیم، همان بخشی که به ما یاد می داد معنی هر یک از کلماتی که در درس خوانده ایم، چه بوده است، خوب حالا می رویم سراغ کلمه ها و ترکیب های غیر تازه فرهنگ تعارف در کشور مان، عبارت هایی که معنی واقعی شان قابل درک نیست و ما معنایی طنز و نسبی برای آن ها جور کرده ایم:

- **تشریف داشتنی حالا**: ممنون که رفتین، وقت شام خوردن ما بود!
- **نه ممنون میل ندارم**: دوبار دیگه تعارف کن تا بر دارم و بخورم!
- **ما همیشه باعث زحمتیم**: حالا همین دفعه کار ما رو راه بینداز ای دوست عزیز!
- **مهندس مغازه خودتونه به خدا**: این قدر هندوانه زیر بغلت میدارم که نتونی سر قیمت چونه بزنی!
- **اصلا قابل شما رو نداره**: یا مبلغی که گفتم با جنس رو نمی فروشم!
- **ممنون، منزل صرف شده**: ما خونه مون قیلا موز داشتیم!
- **اصلا ناراحت نمیشم، بفرمایین**: حالا حرفت رو بزین بعدش تلافی می کنم.
- **جیب من و شما نداره**: اگر حساب نمی کنی حساب کنم!
- **آقای راننده پول من خرده**: من همین یک دره پول خرد رو دارم از رفیقم بگیر!
- **می اومدین تو**: سر منده، خونه نامرتبه و گرنه تعارف می کردم!
- **یه نون و ماستی می خوریم**: شام که نداریم اما کامبیز رو می فرستم سر کوه نون و کباب بگیره! یا دوغ!
- **برسوسمتون**: شرمنده، مسیرم نمی خوره...

## ضرب المثل های تعارفکی

چقدر به تعارف تکه پاره کردن معتقدید؟ اهل تعارفات خشک و خالی هستید؟ حتی اگر تعارف در رفتار و کردار شما چندان نمودی ندارد اما جزئی از فرهنگ ما بوده و همچنان هست. می گوئید نه؟ پس وقتی می گوئیم طرف تعارف شاه عبدالعظیمی می کند یعنی چه؟ ضرب المثل ها درباره این خرده فرهنگ، گویای قدمت آن است.

### ■ تعارف اومد نیومد داره

حتما پیش آمده است که تعارفی کرده اید و طرف مقابل را به شام یا ناهاری و ... دعوت کرده اید و بر خلاف انتظار شما او هم پذیرفته است. در این شرایط حتما جمله «تعارف اومد نیومد داره» را در ذهنتان گذرانده اید و مهمانتان هم آن را برای احساس راحتی با شما، با لحنی از روی خجالت بر زبان آورده است. این مثل را در موردی می زند که دعوت کننده به دروغ و ریاضی چیزی را به اصرار هدیه یا دعوتی را پیشنهاد می کند به گمان آن که دعوت شونده از قبول آن سر باز خواهد زد ولی در عمل خلاف این عمل پیش می آید. (لغتنامه دهخدا، به نقل از امثال و حکم)

### ■ تعارف شاه عبدالعظیمی

«یک شب که هزار شب نمی شه!». «مشرب رو بد بگذرونین» و... این مکالمات معمولآ زمانی به کار می رود که مطمئن هستیم دعوتمان رد خواهد شد! خودمانیم معلوم نیست چرا این جوری هستیم! درباره تعارف شاه عبدالعظیمی و تاریخچه اش آمده است که اهالی شاه عبدالعظیم (منطقه ای در جنوب تهران که مرقدیکی از اصحاب ائمه طاهرین (ع) در آن واقع است، وقتی اطمینان حاصل می کردند

فلان رفیقشان که به قصد زیارت آمده ناگزیر به بازگشت است، در چنین موقعی، اصرار و سماجت می ورزیدند برای نگهداری و پذیرایی از او. از این روست که به هر تعارفی که اصل و اساسی ندارد نام تعارف شاه عبدالعظیمی داده اند. همچنین این تعارف در اصفهان به «تعارف در شهری» مصطلح است. یعنی در موقعی که به دروازه شهر رسیدند و قصد خروج دارند آن گاه به مسافر تعارف و او را دعوت می کنند. (فرهنگ عوام، امیرقلی امینی) البته ما درباره صحت ریشه این ضرب المثل ها و این که چه قدر در تمام ایام مصداق داشته است، قصد قضاوت نداریم و فقط آنچه را اقوال قوی تر است، منتقل می کنیم.

### ■ تعارف کم کن و بر مبلغ افزا

کمی غم انگیز است؛ اما حتما بعضی افراد چنین تجربه ای داشته اند که کاری را انجام داده و موقع گرفتن دستمزد، مبلغ ناچیزی دریافت کرده اند و به اصطلاح، طرف مقابل «انداخته است توی تعارف» و شروع به چرب زبانی می کند. آن بنده خدا هم که با طرف مقابل رودریاستی دارد، رویش نمی شود چیزی بگوید. این مثل این جور وقت ها به کار می آید: «تعارف کم کن و بر مبلغ افزا» و مشابه آن مثل های دیگری نیز هست. مانند «از بار ک... قبابی کسی رنگین نشود» و «نشود بز به پچ پچی فر به».

### ■ تعارف آب حمامی، خرجی ندارد

گویا مصداقش همان تعارف شاه عبدالعظیمی است. چرا که دهخدا در تعریف این مثل می گوید: «تعارف شاه عبدالعظیمی: دعوت کردن کسی را به چیزی بی ارزش، چون آب خزینه حمام را به تازه وارد اهدا کردن». «برای نوشتن این مطلب از مقاله های زیر کمک گرفتیم:

تعارف و فرهنگ نزد ایرانیان، محمد دانشگر  
تعارف در فرهنگ مردم ایران، شایلی علیرضایی